
نخستین تلاش‌ها در ارتقای دانش و بینش زنان ایران؛ تأملی بر محتوای روزنامه‌های دانش و شکوفه

دکتر قربانعلی کنارودی

استادیار تاریخ و عضو هیئت علمی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران

Email: gh.k.edu@gmail.com

■ چکیده

از نهضت مشروطه به این طرف زنان نقش فعالی در عرصه‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی ایفا کردند. هم‌زمان مطبوعات و روزنامه‌ها به‌عنوان یکی از ابزارهای مهم اطلاع‌رسانی و نقش مؤثری که در نهضت مشروطه داشتند به‌عنوان رکن چهارم مشروطه مورد توجه قرار گرفتند. در این میان روزنامه‌نگاران زن نیز با بهره‌گیری از این موهبت و ابزار قدرتمند رسانه‌ای، اقدام به درج دیدگاه‌ها و نظرات و مطالبات خود نمودند. از دوره دوم مجلس شورای ملی تا به سلطنت رسیدن رضاشاه، به‌تدریج هفت روزنامه به مدیریت زنان در کشور منتشر شد. هر یک از این روزنامه‌ها گامی مؤثر در جهت رشد دانش و آگاهی زنان برداشتند. نوشتار پیشرو در صدد است با توجه به اصول پژوهش‌های تاریخی با روشی توصیفی - تحلیلی مبتنی بر مطالعه و گردآوری داده‌ها از نشریات و تحلیل محتوای مقالات دو روزنامه «دانش» و «شکوفه» تأثیر آن دو را در ارتقای سطح دانش و بینش زنان مورد بررسی قرار دهد.

یافته‌های پژوهش نشان داد که گردانندگان این دو روزنامه، با پایبندی بر نهاد خانواده و مبارزه با مفاسد اخلاقی و خرافات، از طریق درج اخبار مربوط به زنان موفق، مقایسه زنان ایرانی و خارج از کشور، آموزش خانه‌داری، ازدواج و تربیت فرزندان، بیان موانع و مشکلات سیاسی و اجتماعی، ارائه راهکارها و تقویت هویت ملی، حمایت از کالای ایرانی و ایجاد انجمن‌ها و مدارس بر افزایش دانش و آگاهی سیاسی، فرهنگی و اجتماعی زنان برآمدند.

■ **کلیدواژه‌ها:** زنان، مشروطیت، مطبوعات، روزنامه دانش، روزنامه شکوفه.

مقدمه

انقلاب مشروطه به لحاظ سیاسی، نقطه عطفی در تاریخ معاصر ایران به شمار می‌آید. این حرکت که معلول عوامل و زمینه‌های فکری، اقتصادی، سیاسی در داخل و خارج از ایران بود، تحولی چشمگیر در عرصه‌های مختلف ایجاد کرد. یکی از موضوعات قابل تأمل نقش و حضور متفاوت زنان در ابعاد اجتماعی است. نخستین نشریات زنان چهار سال پس از صدور فرمان مشروطه، فرصت انتشار یافتند. از آن پس نویسندگان زن با حضوری جدی‌تر در عرصه سیاسی، فرهنگی و اجتماعی، به نقد از وضعیت موجود پرداختند. پس از این تحول، نقش زنان با حضور فعال آنان در عرصه‌های اجتماعی و فرهنگی جلوه بیشتری یافت.

با انقلاب مشروطه، تعداد روزنامه‌های منتشر شده در ایران افزایش یافت. روزنامه‌ها یکی از مهم‌ترین عرصه‌هایی بود که از همان ابتدای انقلاب مشروطه شاهد حضور فعال زنان در آن بود. زنان باتوجه به فرصت‌های محدودی که در جریان مبارزات مشروطه‌خواهی به دست آورده بودند، با حضور مستقیم و غیرمستقیم به واسطه اقداماتی چون تأسیس مدارس دخترانه، ایجاد انجمن‌ها و انتشار روزنامه نقش مهمی در تداوم انقلاب داشتند (جلالی، ۱۳۸۹: ۴۴).

پس از انقلاب مشروطه روزنامه‌ها از مهم‌ترین ابزارهای اطلاع‌رسانی بود که زنان از طریق آن، به نشر دیدگاه‌ها و اهداف خود پرداختند. از بازگشایی دوره دوم مجلس شورای ملی تا آغاز سلطنت رضاشاه هفت روزنامه و مجله اختصاصی زنان در ایران منتشر شد. مضمون بیشتر روزنامه‌ها و مجلات در زمینه‌های اجتماعی و آگاه‌کردن زنان نسبت به حقوق اجتماعی خود بود. در کنار مسائل مربوط به حقوق اجتماعی، مسائلی همچون تساوی حقوق زنان، سوادآموزی دختران و زنان، ازدواج زودهنگام دختران، بهداشت و تربیت فرزندان نیز مورد توجه جدی روزنامه‌های زنان بود (کرباسی‌زاده، ۱۳۸۴: ۶۴-۳۶).

روزنامه «دانش» و «شکوفه» از اولین روزنامه‌های زنان به شمار می‌روند. روزنامه دانش به مدیرمسئولی خانم کحالی جدیدالاسلام همدانی منتشر می‌شد. عمر مطبوعاتی روزنامه دانش فقط یک سال بود و سی‌امین شماره آن به دلیل فشارهای

سیاسی و اقتصادی تعطیل شد. پس از تعطیلی روزنامه سایر فعالیت‌های آن شامل: انجمن زنان، جلسات هفتگی، پخش بیانیه‌ها و ارسال نامه‌های انتقادی به مجلس شورای ملی نیز رو به خاموشی گرائید (کنار رودی، ۱۳۹۹: ۱۳). اولین شماره از روزنامه شکوفه به مدیرمسئولی خانم مزین السلطنه در سال ۱۳۳۰ هـ.ق در تهران چاپ و منتشر شد. این روزنامه فعالیت مطبوعاتی خود را در چهار سال و در ۷۰ شماره ادامه داد. مقالات مندرج در هر دو روزنامه بیانگر آشنایی نویسندگان آن با مسائل روز و اوضاع بین‌المللی بود. تشکیل اتحادیه‌ها و انجمن‌ها در کنار انتشار روزنامه‌ها، از طرفی موجب حضور فعال‌تر زنان در مسائل سیاسی گردید و از سوی دیگر، زنان با پیروی از برخی از انجمن‌ها، به مسائلی فراتر از موضوعات مربوط به زنان، به مخالفت با ورود کالاهای خارجی و تشویق و حمایت از تولیدات داخلی پرداختند.

نوشتار پیش‌رو در صدد است با توجه به اصول پژوهش‌های تاریخی با روشی توصیفی - تحلیلی مبتنی بر مطالعه و گردآوری داده‌ها از نشریات و مقالات و اطلاعات مندرج در دو روزنامه «دانش» و «شکوفه» تأثیر آن دو را در ارتقای سطح دانش و بینش زنان مورد بررسی قرار دهد.

در برخی از آثار و مقالات اشاراتی درباره دو روزنامه «دانش» و «شکوفه» شده است. اما درباره محتوای مقالات و یادداشت‌های مندرج در آنها به گونه مستقل مقاله‌ای منتشر نشده است. مقاله «آموزش زنان و تبیین ضرورت آن در مشروطه، تحلیل مکتوبات زنان در روزنامه ایران نو» از سمیه سادات شفیعی است. نویسنده در این مقاله باتکیه بر متون زن نوشته در روزنامه ایران نو، به ویژگی‌های روزنامه‌نگارانه متون زن نوشته در این روزنامه و نمایی که نویسندگان مقالات از وضعیت زمانه خود به مخاطب ارائه می‌دهند، اشاره می‌کند. او روزنامه شکوفه و دانش را به‌عنوان اولین روزنامه‌های زنان نام می‌برد و شرح مختصری درباره آنها دارد.

مقاله «نشریات زنان در دوران قاجار و رضاخان» از حمیرا رنجبر عمرانی، در مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، به چاپ رسیده است. در این مقاله نیز شرحی کوتاه درباره دو روزنامه دانش و شکوفه آمده است.

مقاله با عنوان «عملکرد زنان در مطبوعات عصر مشروطیت» تألیف ایرج جلالی در

این میان کمی قابل توجه است. نویسندگان در مبحث تاریخچه حضور زنان در عرصه فرهنگی و اجتماعی به دو روزنامه مورد نظر و بخشی از مطالب آنها اشاره کرده است. «بررسی جامعه‌شناختی و روزنامه‌نگاری زنان در عصر مشروطه (با تأکید بر روزنامه زنان)» مقاله‌ای از هما زنجانی‌زاده و علی باغدار دلگشا است. در این مقاله اهمیت حضور زنان برای اولین بار در قالبی رسمی و شبه صنفی در فعالیت‌های اجتماعی ایران، مورد بررسی قرار گرفت. نویسندگان اثر، در بررسی سابقه روزنامه‌نگاری زنان، به اختصار به روزنامه‌های دانش و شکوفه نیز می‌پردازند. مقاله درخور و شایسته در معرفی روزنامه دانش با عنوان «تکنوگاری یک روزنامه «دانش» اولین روزنامه فارسی‌زبان برای زنان ایرانی» از صدرالدین الهی است. نویسندگان در این مقاله به تجزیه و تحلیل اندام‌شناسی و تجزیه و تحلیل محتوایی سی شماره از روزنامه دانش می‌پردازند. مقاله دیگر با عنوان «شکوفه نخستین روزنامه زنان ایران» اثر حوریه سعیدی در این بین از اهمیت بیشتری برخوردار است. نویسندگان در این مقاله محتویات اصلی روزنامه شکوفه را مورد بررسی قرار می‌دهد. مقاله «مطالبات و حقوق سیاسی و اجتماعی زنان در گذار از قاجاریه به پهلوی» تألیف قربانعلی کنارودی نیز ضمن بررسی مطالبات حقوقی و سیاسی زنان از دوره قاجاریه به پهلوی، به ارائه تاریخچه‌ای از حضور زنان در عرصه‌های فرهنگی و از جمله انتشار دو روزنامه دانش و شکوفه می‌پردازد.

روزنامه «دانش» - روزنامه «شکوفه»

باتوجه به این که یکی از اثرات مهم انقلاب مشروطه توزیع قدرت سیاسی در کشور بود، مطبوعات نقش مهمی بر عهده داشتند. محدوده زمانی انتشار نشریات از سال‌های ۱۲۸۹ تا ۱۳۰۴ نشان می‌دهد که در طی این سال‌ها فعالیت روزنامه‌نگاران زن در ایران به طور قابل توجهی افزایش یافته است (جلالی، ۱۳۸۹: ۴۴). انتشار دو روزنامه «دانش» و «شکوفه»، بیانگر تلاش جامعه زنان فرهیخته برای تحول در عرصه‌های فرهنگی ایران است.

مدیران زن این دو روزنامه باتوجه به نقش اجتماعی خود دریافتند که باید باتوجه به شرایط زمان خود و با بهره‌گیری از ظرفیت روزنامه‌ها، به ارتقاء سطح دانش و آگاهی

زنان در جامعه کمک کنند. آنان پی بردند که می‌توان از روزنامه در جهت رشد و ترقی کشور یاری گرفت. روزنامه شکوفه به مدیرمسئولی مزین السلطنه با مقاله‌ای تحت عنوان «منافع روزنامه از برای خواتین محترمه» به این موضوع می‌پردازد و می‌نویسد: (هیچ مملکتی پا به دایره تمدن و ترقی نگذاشت مگر به‌واسطه روزنامه...» وی همچنین یادآور می‌شود که تنها به‌واسطه روزنامه‌ای که مخصوص خانم‌ها و به زبان خودشان است می‌توان آنان را از خواب غفلت بیدار و از ذلت و جهل بیرون آورد (روزنامه شکوفه، ۱۳۳۲، شماره ۱: ۳). او در مقایسه وضعیت روزنامه زنان در ایران با سایر کشورهای جهان خاطرنشان می‌کند در «دول متمدنه اقلأً گاهی هزار روزنامه برای زن‌ها به‌تنهایی به طبع می‌رسد و همه به فروش می‌رسد» (روزنامه شکوفه، ۱۳۳۱، شماره ۴: ۳). او روزنامه را «زبان یک ملت» می‌داند (روزنامه شکوفه، ۱۳۳۲، شماره ۹: ۳).

دانش، اولین نشریه اختصاصی فارسی‌زبان برای زنان بود که از ۱۰ رمضان ۱۳۲۸ تا ۲۷ رجب ۱۳۲۹ در ۳۰ شماره ۸ صفحه‌ای و به مدیریت خانم دکتر کحال دختر یعقوب جدیدالاسلام همدانی به‌صورت هفتگی انتشار می‌یافت (الهی، ۱۳۷۳: ۳۲۲). این روزنامه در اولین شماره خود، روزنامه را این‌چنین معرفی می‌کند: «روزنامه‌ای است اخلاقی. بچه‌داری. خانه‌داری. مسلک مستقیمش تربیت نسوان و دوشیزگان و غیره و غیره است» (روزنامه دانش، ۱۳۲۸: ۱).

عمده‌ترین مطالب روزنامه بنا بر تصریح صاحب‌امتیاز آن، خانم دکتر کمال، مسائل خانه‌داری و شوهرداری تشکیل می‌دهد. در این روزنامه توصیه‌هایی به خانم‌ها برای تنظیم امور خانه و تأمین آسایش و راحتی شوهر و فرزندان و رعایت صرفه‌جویی دیده می‌شود. مندرجات روزنامه مشخص می‌کند که بیش‌تر مطالب آن مربوط به زنان است. این نشریه به قطع وزیری و با چاپ سربی در تهران منتشر می‌شد. جاذبه نشریه در تعداد مقاله‌هایی بود که در باره بهداشت، طب، امور خانگی و بخصوص بچه‌داری منتشر می‌کرد. عمر نشریه کوتاه بود و آخرین شماره چاپ شده از آن، در تاریخ ۱۳۲۹ هـ ق است (طباطبایی، ۱۳۶۶: ۱۷۲).

در سال ۱۳۳۰ هـ ق، اولین شماره از روزنامه شکوفه در تهران چاپ و منتشر شد. این روزنامه فعالیت مطبوعاتی خود را در چهار سال و در ۷۰ شماره باقی گذاشت.

همچنین از شماره ۱۸ اولین شماره سال دوم، از چاپ‌سنگی به چاپ سربی تغییر کرد. صاحب‌امتیاز، مدیرمسئول و نویسنده روزنامه شکوفه مریم عمید (معین‌السلطنه) دختر می‌رسید رضی رئیس الاطباء، پزشک قشون ناصرالدین‌شاه بود. چاپ روزنامه شکوفه در چند دوره بنا به عللی تعویق افتاد. مزین‌السلطنه ضمن عذرخواهی بابت این مسئله به دلایل این امر از جمله گرانی و کمبود کاغذ و مصادف شدن با امتحانات مدارس از جمله مدرسه خودش موسوم به مزینیه، از خوانندگان نشریه عذرخواهی کرد (روزنامه شکوفه، شماره ۱۲، سال اول: ۱؛ شماره ۱۱، ۱۳۳۴: ۱).

انتشار روزنامه، تنها فعالیت فرهنگی مزین‌السلطنه نبود، بلکه وی ضمن تأسیس مدرسه‌ای دخترانه بنام «دارالعلم و صنایع مزینیه»، با تشویق زنان فرهیخته ایران به مدرسه‌سازی برای دختران پرداخت. وی اهمیت مدرسه را نه فقط مکانی جهت یادگیری علوم مختلف می‌داند، بلکه بر این باور است که غیر از تحصیلات علمی، مدرسه مکانی برای «کسب صفات حسنه و اخلاق حمیده... و دور نمودن صفات رذیله و اعمال قبیحه و افعال شنیعه است...» (روزنامه شکوفه، ۱۳۳۱، شماره ۱۶: ۲). همچنین با شرکت در انجمنی موسوم به «انجمن همت خواتین» به درج و انعکاس مسائل سیاسی در روزنامه خود پرداخت. وی در ذیل عنوان روزنامه شکوفه، روزنامه را چنین معرفی می‌کند: «روزنامه‌ای است اخلاقی، ادبی، حفظ‌الصحة اطفال، بچه‌داری، مسلک مستقیمش تربیت دوشیزگان و تصفیه اخلاق زنان، راجع به مدارس نسوان، مقالاتی که مسلک جریده و موافقت داشته باشد، پذیرفته می‌شود» (روزنامه شکوفه، سال اول، شماره چهارم: ۱). وی در سال ۱۳۳۷ هـ.ق، در گذشت.

دوره انتشار این روزنامه به دو دوره تقسیم می‌شود. مرحله اول، شماره یکم تا دهم آن را در بر می‌گیرد. در این دوره از انتشار مقالات روزنامه بیشتر در باره تساوی حقوق زن و مرد و تحصیل علم برای نسوان، حمله به خرافه‌پرستی، تأکید بر رعایت قوانین مذهبی و انتقاد از بی‌بند و باری‌های اجتماعی بود. در مرحله دوم، از شماره دهم تا پایان انتشار روزنامه را شامل می‌شود. رویکرد روزنامه با توجه به گرایش صاحب‌امتیاز آن به انجمن خواتین، معطوف به مسائلی از جمله استقلال ملی و مبارزه بانفوذ خارجیان بود. (خداداد، ۱۳۸۷: ۴)

عمده‌ترین مطالب مطرح شده در روزنامه‌های دانش و شکوفه

مدت انتشار روزنامه دانش چندان طولانی نبود. عمر کوتاه این روزنامه با فعالیت مستمر و تلاش‌های مزین‌السلطنه با چاپ روزنامه شکوفه جبران شد. روزنامه شکوفه به شکلی وسیع‌تر و با پرداختن به موضوعات جدیدی متناسب با شرایط زمانه به افزایش سطح آگاهی زنان جامعه ایرانی کار فرهنگی خود را ادامه داد. روزنامه شکوفه دارای دو ویژگی اصلی بود. اول پرداختن به موضوعاتی که در روزنامه دانش به آن پرداخته نشده بود؛ لذا طیف وسیعی از موضوعات مختلف در ارتباط با زنان در روزنامه شکوفه را می‌توان مشاهده نمود. دیگر ورود به موضوعات سیاسی و اجتماعی کشور با نگاهی نقادانه به اوضاع داخلی و مقایسه شرایط موجود با دنیای معاصر است.

۱. تربیت و ادب زنان و دختران

اگرچه بیشتر مطالب روزنامه دانش و شکوفه را مسائل مربوط به زنان تشکیل می‌داد، اما خوانندگان آن تنها زنان نبودند. مقالاتی با عناوین «رسم زن‌داری» (دانش، ۱۳۲۸، شماره ۳: ۷)، «زن‌داری» (دانش، ۱۳۲۸، شماره ۶: ۸؛ دانش، ۱۳۲۸، شماره ۳: ۷) و همچنین مقاله «اخطار به مردان و جوانان» با انتقاد از برخی از عادات ناپسند میان مردان از جمله مصادیق این موضوع است (دانش، ۱۳۲۸، شماره ۲: ۲). این نکته به‌خصوص در روزنامه شکوفه و باتوجه‌به طولانی‌بودن زمان نشر و همچنین بر اساس شماره‌های بیشتری که از این روزنامه در دست است، قابل‌درک است.

روزنامه شکوفه در اهمیت ادب و تربیت، مردان را مخاطب اصلی خود قرار می‌دهد و از برخی رفتارهای آنان انتقاد می‌کند. هر چند در پایان نوشتار به نقش تربیتی زنان در تربیت جوانان معترف است و می‌نویسد: ... هرگاه این زنان و جوانان در دامن خانم‌های عالمه عاقله و مربیه کامله تربیت شده بودند، ابدأً این حرکت وحشیانه از آنها بروز نمی‌کرد (شکوفه، ۱۳۳۴، شماره ۷: ۲).

در روزنامه شکوفه، هرچند روی سخن با زن خانواده است، اما بخش عمده‌ای از مقالات به ایجاد حریم احترام میان زن و شوهر، اهمیت وجود محیطی امن و آرام در خانواده به جهت ایجاد آرامش و تربیت فرزندان اختصاص دارد.

توجه به تعلیم و تربیت دختران و اهمیت اخلاق خوب برای آنان، در روزنامه دانش مورد توجه قرار گرفته است. این توجه به جهت اهمیت نقش دختران در خانواده به عنوان همسر و تربیت فرزندان قابل تأمل است. در مقالاتی که در روزنامه دانش تحت عنوان خطاب به دختران به چاپ رسیده، مطالب در قالب پند و نصیحت، دختران را مورد خطاب قرار داده است و با ذکر جمله «... مراد ما نصیحت بود» مقاله را به پایان می‌برد (دانش، ۱۳۲۸، شماره ۵: ۴-۵). در جایی دیگر می‌نویسد: «... ما می‌توانیم همه‌روزه به واسطه اخلاق حسنه از گناهان خودمان بکاهیم و می‌توانیم به واسطه اخلاق رذیله به گناهان خود بیفزاییم چقدر سعادت‌مند است کسی که همیشه اخلاق حسنه تحصیل نماید و در دنیا و آخرت راحت باشد مگر نعمتی بالاتر از خلق خوش در دنیا وجود دارد» (دانش، ۱۳۲۸، شماره ۱: ۴). وی محوری‌ترین نقش تربیتی را در مادران جستجو می‌کند. به همین سبب ابراز می‌کند: «... واجب است که ابتدا در تکامل و ارتقای مادران و همشیرگان خودمان بکوشیم» (دانش، ۱۳۲۸، شماره ۲: ۴) در اهمیت تربیت به نقش مهم خانواده چنین اشاره شده است: «... علم و معرفت در مدرسه و دبستان کسب می‌شود، اما تربیت از پدر و مادر به دست می‌آید. معلمین تربیت اطفال مادران و خواهران‌اند... اگر زن‌ها و نسوان اندکی صاحب اخلاق حمیده بشوند، می‌توان امیدوار شد که جراحات ما کم‌کم رو به بهبودی گذاشته و امراض اجتماعیان یواش یواش معالجه می‌شود...» (دانش، ۱۳۲۸، شماره ۲: ۴).

توجه به تربیت دختران به دلیل اهمیت آن نیز به‌وفور مورد توجه و تأکید روزنامه شکوفه قرار گرفته است. معین‌السلطنه در مقالات مختلف و بافاصله گرفتن از پند و نصیحت به این نکته توجه کرده است. وی آن دسته از پدر و مادرانی که در تربیت دختران خود، بدون توجه به سیرت و اخلاق آنها و در تربیت صحیح و کامل دختران سعی و تلاش نداشتند، مورد خطاب قرار می‌دهد. (شکوفه، ۱۳۳۴، شماره ۱۱: ۲) برخوردار از یک زندگی خوب برای دختران پس از ازدواج را در گروه اخلاق خوب و تربیت صحیح خانواده می‌داند و می‌نویسد: «... کدام طلسم و جادو برای محبت و بی‌محبتی بالاتر از طلسم اخلاق خوب و بد است می‌بایست راه آن طلسم را به دخترت یاد داده باشی...» (شکوفه، ۱۳۳۴، شماره ۹: ۳).

معین‌السلطنه با محور قرار دادن تربیت دختران، با درج مقاله‌ای از مدیر مدرسه حسنات، به مقایسه ایران و دیگر کشورها می‌پردازد. وی پیشرفت و ترقی برخی از ملل از جمله ژاپنی‌ها را مدیون توجه به این امر می‌داند و علت این توجه را، حمایت ملکه ژاپن به تعلیم و تربیت دختران معرفی می‌کند و خاطرنشان می‌شود که این اقدام اسباب قدرت ژاپن شد و آرزو می‌کند که ای‌کاش زنان ایرانی نیز با تأسی به این اقدامات، زمینه رشد و تربیت دختران را فراهم می‌نمودند (شکوفه، ۱۳۳۲، شماره ۹: ۳).

در مجموعه مقالات چاپ شده در روزنامه شکوفه، تحت عنوان دختر خوب کدام است؟ به بررسی ویژگی‌ها و صفات لازم یک دختر می‌پردازد. وی می‌نویسد: «... دختر خوب آنست که... از روی عقل و دانش رفتار نماید و به مدرسه برود و تحصیل علم بکند؛ یعنی علوم لازمه مفید از قبیل خواندن و نوشتن و مسائل دینی و غیره و غیره را یاد بگیرد و در ضمن از فراگرفتن صنایع یدی هم غفلت نرزد» (شکوفه، ۱۳۳۱، شماره ۱۱: ۳).

مزمین‌السلطنه در مقاله‌ای تحت عنوان قابل توجه خواتین، علت عمده مشکلات کشور را بی‌توجهی به تربیت دختران و در یک کلام «... عدم تربیت نسوان...» می‌داند (شکوفه، ۱۳۳۳، شماره ۱۶: ۱) و توصیه می‌کند رشد یک کشور در گرو تربیت و تعلیم صحیح زنان آن کشور است (شکوفه، ۱۳۳۶، شماره ۳: ۲). به نظر او وزارت معارف نظر به اهمیت این موضوع باید برنامه‌ای مدون برای مدارس دخترانه تدوین کند (شکوفه، ۱۳۳۱، شماره ۱۷: ۲). او اساس تربیت درست را عمل به دین می‌داند و می‌نویسد: «... زن بی‌دین به ناموس خود خیانت می‌کند... مسلم است اولاد زن عاقله دزد نمی‌شود، زیرا که مادر عیب بر قبیح بودن آن را از ابتدا آویزه گوش اطفال خود نموده است. اولاد مادر عاقله وطن فروش نمی‌شود، زیرا که حب الوطن من الایمان...» (شکوفه، ۱۳۳۳، شماره ۱۹: ص). وی با اشاره به سربازان آلمانی که وطن خود را مانند مادر خود عزیز و محترم می‌دانند خاطرنشان می‌کند که «... اولاد چنین مادری هرگز دروغ نمی‌گوید، تهمت نمی‌زند، غیبت نمی‌کند، مردم‌آزاری نمی‌کند... بکوشید مادران آتیه مملکت را به خوبی تربیت نمایید...» (همان). از تعدد مقالات مربوط به تربیت دختران در روزنامه شکوفه می‌توان دریافت که بیشترین توجه به این امر شده است.

۲. بهداشت (حفظ الصحه)

بهداشت «حفظ الصحه» و مسائل آن از موضوعات مشترک میان دو روزنامه دانش و شکوفه است. روزنامه دانش با توجه به حرفه اصلی مدیر آن در اولین شماره خود با نوشتاری تحت عنوان «حفظ الصحه اطفال» به این موضوع می‌پردازد (دانش، ۱۳۲۸، شماره ۱: ۲). نظر به اهمیت موضوع، در شماره‌های دیگر این روزنامه نیز به این مطلب پرداخته شده است (دانش، ۱۳۲۹، شماره ۲۵: ۶؛ دانش، ۱۳۲۸، شماره ۵: ۸؛ دانش، ۱۳۲۸، شماره ۶: ۲-۷). از آنجاکه صاحب‌امتیاز روزنامه دانش خود پزشک است، به مطالب مربوط به سلامتی به طور مفصل پرداخته است. در برخی از موارد ضمن بیان تشخیص برخی از بیماری‌ها به شیوه درمان آنها نیز پرداخته است (دانش، ۱۳۲۸، شماره ۴: ۴-۵).

روزنامه شکوفه نیز با هدف افزایش آگاهی زنان، در شماره‌های مختلف به بهداشت پرداخته است (شکوفه، ۱۳۳۲، شماره ۱۲، سال دوم: ۴؛ شکوفه، ۱۳۳۲، شماره ۱۰، سال دوم: ۴؛ شکوفه، ۱۳۳۲، شماره ۸: ۴). در مقاله‌ای تحت عنوان «ترک عادت موجب مرض است» می‌نویسد: «هر کس می‌تواند که از ابتدای عادت به چیزهای خوب حفظ الصحه‌های صحیح نماید» (شکوفه، ۱۳۳۴، شماره ۱۰: ۱). در نوشته‌ای ذیل عنوان حفظ الصحه به شرح بیماری‌های زنان در دوران بارداری می‌پردازد (شکوفه، ۱۳۳۳، شماره ۱۶: ۲).

۳. محبت در خانواده

یکی دیگر از موضوعاتی که در دو روزنامه دانش و شکوفه به آن پرداخته شده است، مبحث مربوط به محبت کردن است. روزنامه دانش در مقاله‌ای تحت عنوان «ثمره محبت» به اهمیت آن پرداخته است (دانش، ۱۳۲۹، شماره ۱۴: ۸). وی می‌نویسد... محبت اگر در دنیا نباشد، کارهای عالم سخت می‌شود (دانش، ۱۳۲۸: شماره ۶، ۴) اهمیت این موضوع در روزنامه شکوفه بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. این روزنامه سعادت فرزندان را در گرو میزان برخورداری آنان از محبت در خانواده می‌داند و به صراحت خانواده‌ای که اساس آن بر محبت نباشد را خانواده‌ای بدبخت قلمداد می‌کند (شکوفه، ۱۳۳۴، شماره ۱۰: ۴).

۴. بهداشت اطفال و بچه‌داری

بهداشت اطفال و نگهداری از بچه، از موضوعات مشترک و محوری در هر دو روزنامه است. مقالات فراوانی در آداب و فنون بچه‌داری در دو روزنامه می‌توان یافت. نکاتی در خصوص سپردن بچه‌ها به پرستار و گرفتن دایه و شرایط آن و بیماری‌های کودکان، شیوه صحیح نگهداری آنان محتوای اصلی این دو روزنامه را تشکیل می‌دهد (شکوفه، ۱۳۳۴، شماره ۱۰: ۴، شماره ۹، ۱۳۳۴: ۱؛ دانش، ۱۳۲۸، شماره ۵: ۸؛ دانش، ۱۳۲۹، شماره ۲۵: ۶).

۵. حقوق زنان

روزنامه دانش اولین روزنامه‌ای است که درباره حقوق زنان و چگونگی رفتار با زنان در جامعه و خانواده مقالاتی نوشته و زن را عنصر فعال جامعه و مسئول زندگی خانواده معرفی کرده است (الهی، همان: ۳۳۸).

۶. ترویج کالای وطنی

شرکت مزین السلطنه در جلسات انجمنی موسوم به «انجمن همت خواتین» صرف‌نظر از یک فعالیت فرهنگی، موجب شد که با درج مقالاتی در روزنامه شکوفه باهدف استفاده از منسوجات وطنی و تشویق استفاده از هنرهای دستی داخلی، به ترغیب زنان به استفاده از محصولات داخلی بپردازد. او در مقاله‌ای هدف از تأسیس انجمن همت خواتین را چنین معرفی می‌کند «... اولاً ترویج اشیاء داخلی است و ثانیاً ترقی صنایع و هنرهای یدی دختران و شاگردان مدارس است و برای پیشرفت این مقصود لازم است... بهترین طریقه که برای ترقی منسوجات وطنی به نظر این هیئت رسید، همانا استعمال آن در میان خانم‌ها عموماً و شاگردان مدارس مخصوصاً بود» (شکوفه، ۱۳۳۳، شماره ۱۲: ۱)

در همین رابطه در روزنامه به تشویق دختران مدارس برای استقبال از کالاهای و منسوجات ایرانی اقدام و پیشنهاد می‌کند: «... بایستی کارهای آنان را به قیمت خوب خریداری کنیم و پول آن را به آنها بدهیم که مایه‌دست خود نموده و دلخوش شوند و روزه‌روز به پیشرفت هنر دست خود بکوشند...» (همان). وی متذکر می‌شود زنان خارجی با اینکه از پارچه‌های کشور خود لباس تهیه می‌کنند، حتی برای تورهای تزیینی مورداستفاده در لباس خود راضی به استفاده از تولیدات خارجی نمی‌شوند و

ترجیح می‌دهند که آنها را نیز خودشان درست کنند و یادآور می‌شود که «... خوب است خانم‌ها نیک از حیث لباس تقلید خانم‌های اروپایی کنند». (همان)

در مقاله دیگری تحت نام «چاره‌جویی از گذشته» با موضوع تمدن چیست و ملت متمدن کدام است، کشوری که بتواند نیازهای اساسی خود را بدون وابستگی به کشورهای هم‌جوار تهیه کند را کشوری متمدن می‌داند و پیشنهاد می‌کند اگر غیر از مدارس دختران، مدیران مدارس پسرانه نیز به شاگردان خود عیب استفاده از پارچه‌های خارجی و فواید استفاده از پارچه‌های وطنی را متذکر شوند، بهتر است (شکوفه، ۱۳۳۳، شماره ۱۱: ۲)

در مقاله‌ای تحت عنوان «دختر غم‌خور مادر است» به بررسی نقش زنان در پیشرفت و سازندگی کشور می‌پردازد. وی با تشبیه ایران به مادر و حقی که مادر بر فرزندان خود دارد، خطاب به زنان می‌نویسد: «... شاید به مداوای شما این مادر بدبخت که از جهالت این فرزندان ناخلف به این ذات افتاده... به همت شما بهبودی حاصل کند و بحران چندی نماند...» (شکوفه، ۱۳۳۴، شماره ۶: ۲) در مقاله‌ای تحت عنوان دختران و بانوان ایران، ضمن مقایسه ایران با دیگر کشورهای اروپایی، استفاده از کالاهای خارجی را موجب ویرانی مملکت می‌داند و از تمام زنان فرهیخته و صاحب‌قلم تقاضا می‌کند که زنان را به استفاده از محصولات داخلی تشویق کنند. وی در این راستا مجهز شدن زنان به فنون و هنرهای خانگی و صنایع‌دستی را بسیار مهم می‌داند و از آنان می‌خواهد با درک مصالح کشور، برای رشد و ارتقای آن هم فکر و همدست شوند. وی با پرداختن به مسئله جنگ روس و ژاپن، به نقش دختران ژاپنی در این زمان می‌پردازد و یادآور می‌شود که زنان ایرانی باید بدانند که چگونه و از راهی می‌توانند به شکور خودیاری برسانند (همان: ۳)

در مقاله دیگر روزنامه شکوفه موسوم به «حب الوطن من الایمان» دوستی وطن را ناشی از ایمان می‌داند و وطن‌دوستی زنان را نسبت به مردان بیشتر می‌داند. در این مقاله استفاده از کالاها و منسوجات وطنی، یکی از مصادیق ایمان به شمار می‌رود (شکوفه، ۱۳۳۴، شماره ۵: ۲). در شماره‌های دیگر این روزنامه ضمن تشویق زنان به استفاده از کالاها داخلی، به انتقاد از سیاست‌های داخلی می‌پردازد. «... همه می‌دانند

که ایران بی‌ثروت نشد مگر از بی‌مبالاتی رجال مملکت و آقایان فاقد الحکمه...» (شکوفه، ۱۳۳۳: شماره ۱۷: ۲).

مزمین السلطنه در سخنرانی خود در مدرسه مزینیه ضمن توصیه‌های خود خطاب به فارغ‌التحصیلان مدرسه به آنان گوشزد کرد: «... همیشه سعی کنید در منسوجات وطنی خود که لباس شرف و قومیت ایرانیت شماست گول پارچه‌های خوش‌ظاهر فرنگ را نخورید وطن خودتان را مقدس بشمارید و خدمت به وطن و ترویج اشیای وطنی خود را فریضه بدانید» (شکوفه، ۱۳۳۳، شماره ۱۳: ۱). در یک کلام مزمین السلطنه معتقد است که زنان از دو طریق می‌توانند به کشور خود خدمت کنند، یکی از راه تعلیم و تربیت و هنر و دیگر از راه اقتصادی است که خود تولید کنند و هم با افتخار از تولیدات وطن خود استفاده کنند (شکوفه، ۱۳۳۳، شماره ۱۱: ۳).

مزمین السلطنه استفاده از کالاهای خارجی را لطمه به ثروت مملکت می‌داند (شکوفه، ۱۳۳۲، شماره ۱۹: ۴) وی با مقایسه زنان اروپایی با ایرانی، در انتقاد به برخی از زنان می‌نویسد: «عیب کار ما ایرانیان این است که حدود خودمان را نمی‌دانیم و در جاده خودمان راه نمی‌رویم» (شکوفه، ۱۳۳۲، شماره ۲۳: ۲). وی معتقد است که برای تشویق مردم برای استفاده از کالاها و منسوجات داخلی باید از گروه‌های اجتماعی تأثیرگذار استفاده کرد «... در فقره منسوجات وطنی و صنایع مملکت هم هرگاه بخواهند شایع و جریان پیدا بنماید آقایان روحانی و اولیای امور که سبقت بگیرند و اقدام بنمایند و در مقام ترویج تجارت و صنایع وطن عزیز خود برآیند به این معنی که خودشان و بستگان و اهل خانه بپوشند...» (شکوفه، ۱۳۳۲، شماره ۲۳: ۲).

۷. علم‌آموزی زنان

اهمیت علم و علم‌آموزی بخصوص برای زنان، از دیگر موضوعاتی است که مورد توجه روزنامه شکوفه قرار گرفته است. وی در ابتدا تحصیل علم را با استناد به سخن پیامبر (ص) برای مرد و زن لازم شمرده تا ضمن بیان اهمیت علم نشان دهد که تحصیل زنان منافاتی با دین ندارد (شکوفه، ۱۳۳۱، شماره ۱۱: ۲) و خاطر نشان می‌کند پیشرفت و ترقی کشور در گرو بهره‌مندی زنان از علم است (شکوفه، ۱۳۳۱، شماره ۱۲: ۲).

وی با درج اخباری از کشورهای اروپایی از جمله انگلستان با اشاره به مسائل اجتماعی و سیاسی آنها به مطالبات زنان، حق انتخاب به آنان و برگزاری کنفرانس و... می‌پردازد و از اینکه در ایران هنوز شرایط ادامه تحصیلی که مطابق آیات قرآن بر هر مسلمانی واجب شده، تحقق نیافته اظهار تأسف می‌کند و می‌نویسد: «... جز اینکه مزیت خودمان را به اسم اسلامیت خشک‌وخالی که ابداً از آن بهره نداریم... ندانیم درحالی‌که به هیچ یک از فرمایشات پیشوایان و ائمه عمل ننموده و همه را پشت‌پا می‌زنیم...» (شکوفه، ۱۳۳۲، شماره ۲۴: ۴).

۸. مبارزه با خرافات

رواج برخی تفکرات خرافی و اعتقاد به جادوگری، از جمله مسائلی است که در مقالات روزنامه شکوفه مورد توجه گرفته است و مزین‌السلطنه تلاش دارد با درج مقالات مختلف به مبارزه با این تفکرات بپردازد. از آن جمله می‌توان به مقاله «موهومات بعضی از خواتین ایرانی» اشاره کرد (شکوفه، ۱۳۳۲، شماره ۱۷: ۲). در یکی از شماره‌های روزنامه به مواردی چون فالگیری، دعانویسی، رمالی و... می‌پردازد و اشاره می‌کند که این تفکرات باطل در سه‌طبقه زنان کشور رواج دارد (شکوفه، ۱۳۳۱، شماره ۱۰: ۳) در مقالاتی تحت عنوان «عقایدالنسوان من خرافات الزمان» به برخی از اقدامات اشتباه و رایج بانوان در درمان‌های خانگی برخی از بیماری‌ها می‌پردازد. او با ذکر مصادیقی از این اشتباهات، زنان را تشویق به مراجعه به پزشک و درمان صحیح بیماری می‌کند (شکوفه، ۱۳۳۳، شماره ۶: ۲؛ همان، شماره‌های ۵-۴: ۱).

۹. ازدواج

مسئله دیگری که در روزنامه شکوفه بسیار مورد توجه قرار گرفته، ازدواج است. مزین‌السلطنه ازدواج را اساس زندگی و فلسفه خلقت می‌شمارد (شکوفه، ۱۳۳۳، شماره ۹: ۱). در مقالاتی تحت نام «فلسفه زن‌وشوهری» به این مهم پرداخته شده است (شکوفه، ۱۳۳۲، شماره ۱۰: ۱؛ همان، ۱۳۳۲، شماره ۱۱: ۱) از دیگر مقالاتی که در روزنامه شکوفه در رابطه با ازدواج نوشته شده می‌توان به مقاله «حیثیات زن و محسنات ازدواج» اشاره کرد (شکوفه، ۱۳۳۶، شماره ۱: ۳) در مقاله‌ای تحت عنوان

«عوامل النساء» ازدواج را به‌مثابه معامله‌ای می‌داند که بدون شناخت مایه ندامت و پشیمانی است. او شیوه و رسم ازدواج در ایران را از نوع معامله در بسته می‌داند و می‌نویسد: «... در واقع فرورفتن در دریا است و بیرون آوردن صدف است ممکن است مروارید باشد...» (شکوفه، ۱۳۳۶، شماره ۲۰: ۲)

عناوین و موضوعات دیگری مانند: «کلمات حکمت شعار» (شکوفه، ۱۳۳۴، شماره ۴: ۳؛ همان، ۱۳۳۴، شماره ۷: ۴؛ همان، ۱۳۳۴، شماره ۸: ۴؛ همان، ۱۳۳۴، شماره ۹: ۳؛ همان، ۱۳۳۴، شماره ۱۱: ۳)، روزه‌گرفتن و آداب آن (شکوفه، ۱۳۳۶، شماره ۲۱: ۱)، اهمیت روزنامه در ارتقای سطح دانش زنان (دانش، ۱۳۳۴، شماره ۵: ۲) پرستاری و ویژگی‌های یک پرستار خوب (شکوفه، ۱۳۳۴، شماره ۷: ۲؛ همان، ۱۳۳۲، شماره ۱۷: ۴؛ همان، ۱۳۳۴، شماره ۸: ۱؛ همان، ۱۳۳۴، شماره ۹: ۱؛ همان، ۱۳۳۴، شماره ۱۱: ۲)، اطلاع‌رسانی از تأسیس مدارس جدید دخترانه در ایران (شکوفه، شماره ۸، شماره ۸: ۲) در این دو روزنامه دیده می‌شود.

نتیجه‌گیری

ورود زنان به عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی پس از انقلاب مشروطه شتاب بیشتری گرفت. روزنامه‌ها به‌عنوان مهم‌ترین ابزارهای اطلاع‌رسانی، ضمن درج حوادث و رویدادهای داخلی و خارجی، به انتقاد از وضع سیاسی و اقتصادی و اجتماعی جامعه پرداختند. از دوره دوم مجلس شورای ملی تا سلطنت رضاشاه به تدریج هفت نشریه اختصاصی زنان در ایران منتشر شد. مضمون بیشتر نشریات در زمینه‌های اجتماعی و آگاه‌کردن زنان نسبت به حقوق اجتماعی خود بود. روزنامه «دانش» و «شکوفه» از اولین روزنامه‌های زنان به شمار می‌روند.

مقالات مندرج در هر دو روزنامه بیانگر آشنایی نویسندگان آن با مسائل روز و اوضاع جهانی است. هرچند مخاطب اصلی هر دو روزنامه زنان بودند، اما روی سخن نویسندگان مقالات بخصوص در روزنامه شکوفه، مردان و اولیای دولت بودند. اهداف اصلی هر دو روزنامه، بالابردن سطح دانش و بینش میان زنان بود.

در یک مقایسه تطبیقی در هر دو روزنامه نشان می‌دهد که بنا بر اهمیت برخی مسائل،

به موضوعات مشترکی اشاره کردند. مخاطب هر دو روزنامه، الزاماً زنان نبودند و مطالب برخی از مقالات نشان می‌دهد که خطاب اصلی نویسندگان با مردان بود، هر چند روزنامه شکوفه در پایان این دسته از مقالات به صراحت ضمن انتقاد از برخی از رفتارهای اجتماعی مردان در جامعه، با توجه به مخاطبان اصلی روزنامه به نقش تربیتی زنان تأکید دارد.

محور اصلی مطالب هر دو روزنامه را مسائل مربوط به خانواده و زنان تشکیل می‌دهد، اما روزنامه شکوفه به لحاظ محتوایی و موضوعی، از تنوع بیشتری برخوردار است. به نظر می‌رسد دلیل این امر، کوتاه بودن زمان و دوره چاپ و انتشار روزنامه دانش و تجربه بیشتر روزنامه شکوفه، در زمینه چاپ و انتشار است.

در روزنامه دانش موضوعات مربوط به تعلیم و تربیت دختران و اهمیت اخلاق خوب، به صورت پند و اندرز و نصیحت تدوین شده است، در صورتی که این لحن در مقالات درج شده در روزنامه شکوفه دیده نمی‌شود.

بهداشت و حفظ‌الصحه از دیگر مطالب مشترک میان مطالب دو روزنامه است. در این خصوص با توجه به اشراف بیشتر مدیر روزنامه دانش، مطالب با جزئیات بیشتر و به طور مفصل مورد بررسی قرار گرفته است. پرداختن به این موضوع به تأثیر از تجربه روزنامه دانش، در روزنامه شکوفه نیز ادامه پیدا کرده است.

«محبت» از دیگر موضوعات مشترک میان دو روزنامه است. هر دو روزنامه محبت را در خانواده و حفظ آن، بخصوص در روابط میان زن و مرد خانواده ضروری شمرده‌اند. یکی دیگر از موضوعات مشترک میان مطالب دو روزنامه، آداب و فنون بچه‌داری است. درباره این موضوع مطالب زیادی از دو روزنامه دانش و شکوفه موجود است. همان‌طور که اشاره شد عمر کوتاه روزنامه دانش، مجالی برای پرداختن به موضوعات دیگر باقی نگذاشت. روزنامه شکوفه به لحاظ موضوعی از تنوع بیشتری برخوردار است و مقارن بودن برخی از رویدادها موجب ورود روزنامه شکوفه به برخی از مقوله‌های سیاسی شد.

رواج تفکرات خرافی، اعتقاد به جادوگری و افزایش فالگیری در جامعه، موجب شد که بخش عمده‌ای از مطالب روزنامه شکوفه در مبارزه با این تفکرات تدوین شود. توجه به علم و علم‌اندوزی و سهم آن در تربیت زنان، تأکید بر اهمیت ازدواج در سلامت روانی و اخلاقی جامعه، درج مطالبی در رابطه با رویدادهای کشورهای پیشرفته جهان و

مقایسه ایران با آنها، توجه به کالای ایرانی و نقش آن با ترقی و رشد کشور، توجه به مدرسه و اهمیت آن در رشد علمی و تربیتی زنان و... از موضوعاتی است که در روزنامه شکوفه به آن پرداخته شده است. تکیه بر باورهای دینی و بهره‌گیری از آیات قرآن در توجیه و تبیین هر یک از موضوعات فوق را می‌توان در روزنامه شکوفه مشاهده نمود. در خاتمه باید به این نکته را افزود که دو روزنامه دانش و شکوفه با اعتقاد به نقش محوری و تربیتی زنان، پیشرفت یک کشور را در گرو افزایش دانش و آگاهی آنان می‌دانستند و سعی می‌کردند با مطالب مندرج در روزنامه در قالب، سخنان قصار، مقالاتی پیرامون مقایسه ایران با دیگر کشورها، توجه به تربیت فرزندان، توجه به هنرها و صنایع دستی و معرفی زنان موفق به افزایش دانش زنان ایرانی کمک کنند. فعالیت روزنامه شکوفه از این شیوه‌ها نیز فراتر رفت و تلاش کرد در کنار مقالات خود، با گسترش مدارس دخترانه و تشویق زنان برای فعالیت در این عرصه، ترغیب زنان به استفاده از کالاهای وطنی و منسوجات داخلی، نقشی در پیشبرد مملکت داشته باشد. در این مسیر او با مقایسه زنان ایران با دیگر کشورها، ضمن آگاه کردن زنان از اوضاع جهانی و مطالبات زنان در دیگر کشورها، با تشویق آنان، سهم مؤثری در رشد و آگاهی دانش زنان ایفا نماید.

منابع

- آفاری، ژ (۱۳۷۷). انجمن‌های نیمه سری زنان در نهضت مشروطه. ترجمه جواد یوسفیان. تهران: نشر بانو.
- الهی، صدرالدین، (۱۳۷۳). تک‌نگاری یک روزنامه «دانش» اولین روزنامه فارسی‌زبان برای زنان ایرانی. مجله ایران‌شناسی. سال ششم. شماره ۲۲. صص ۳۲۱-۳۴۴.
- جلالی، ایرج (۱۳۸۹). عملکرد زنان در مطبوعات عصر مشروطیت. رشد آموزش تاریخ، دوره یازدهم. شماره ۴. صص ۴۲-۴۶.
- خداداد، معصومه (۱۳۸۷). نخستین روزنامه زنان در ایران. نشریه حافظ. شماره ۴۲. صص ۲۳-۲۶.
- سعیدی، حوریه (۱۳۷۷). شکوفه نخستین روزنامه زنان ایران. تاریخ معاصر ایران. سال ۳. شماره ۹. صص ۳۴۷-۳۵۶.
- رنجبر عمرانی، حمیرا (?). نشریات زنان در دوران قاجار و رضاخان. مرکز دائرة معارف بزرگ اسلامی. مرکز پژوهش‌های ایرانی و اسلامی.
- زنجانی زاده، هما؛ علی باغدار دلگشا (۱۳۹۴). بررسی جامعه‌شناختی روزنامه‌نگاری زنان در عصر مشروطه (با تأکید بر روزنامه زبان زنان). مسائل اجتماعی ایران. سال ششم. شماره ۱. صص ۶۱-۷۹.

- کرباسی زاده (۱۳۸۴). سیر تحولات اجتماعی زنان در یکصد سال اخیر از مشروطیت به بعد. تهران: انتشارات اکنون.
- کناررودی، قربانعلی (۱۳۹۹). مطالبات و حقوق سیاسی و اجتماعی زنان در گذار از قاجار به پهلوی. پژوهاک زنان در تاریخ ایران. سال اول. زمستان ۱۳۹۹. شماره ۲. صص ۴۳-۱۲.
- طباطبایی، محیط (۱۳۶۶). تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران. تهران: انتشارات بعثت.
- روزنامه شکوفه به انضمام دانش. نخستین نشریه‌های زنان ایران. (۱۳۷۷). کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.

روزنامه‌ها

- روزنامه شکوفه، ۱۳۳۲، شماره ۱؛ روزنامه شکوفه، ۱۳۳۶، شماره ۱؛ روزنامه شکوفه، ۱۳۳۶، شماره ۳؛ روزنامه شکوفه، ۱۳۳۱، شماره ۴؛ روزنامه شکوفه، ۱۳۳۳، شماره ۴؛ روزنامه شکوفه، ۱۳۳۴، شماره ۴؛ روزنامه شکوفه، ۱۳۳۳، شماره ۵؛ روزنامه شکوفه، ۱۳۳۴، شماره ۵؛ روزنامه شکوفه، ۱۳۳۳، شماره ۶؛ روزنامه شکوفه، ۱۳۳۴، شماره ۶؛ روزنامه شکوفه، ۱۳۳۴، شماره ۷؛ روزنامه شکوفه، ۱۳۳۲، شماره ۸؛ روزنامه شکوفه، ۱۳۳۴، شماره ۸؛ روزنامه شکوفه، ۱۳۳۲، شماره ۹؛ روزنامه شکوفه، ۱۳۳۳، شماره ۹؛ روزنامه شکوفه، ۱۳۳۴، شماره ۹؛ روزنامه شکوفه، ۱۳۳۱، شماره ۱۰؛ روزنامه شکوفه، ۱۳۳۲، شماره ۱۰؛ روزنامه شکوفه، ۱۳۳۴، شماره ۱۰؛ روزنامه شکوفه، ۱۳۳۳، شماره ۱۱؛ روزنامه شکوفه، ۱۳۳۲، شماره ۱۱؛ روزنامه شکوفه، ۱۳۳۴، شماره ۱۱؛ روزنامه شکوفه، ۱۳۳۱، شماره ۱۲؛ روزنامه شکوفه، ۱۳۳۳، شماره ۱۲؛ روزنامه شکوفه، ۱۳۳۲، شماره ۱۲؛ روزنامه شکوفه، ۱۳۳۳، شماره ۱۳؛ روزنامه شکوفه، ۱۳۳۱، شماره ۱۶؛ روزنامه شکوفه، ۱۳۳۳، شماره ۱۶؛ روزنامه شکوفه، ۱۳۳۱، شماره ۱۷؛ روزنامه شکوفه، ۱۳۳۲، شماره ۱۷؛ روزنامه شکوفه، ۱۳۳۳، شماره ۱۷؛ روزنامه شکوفه، ۱۳۳۲، شماره ۱۹؛ روزنامه شکوفه، ۱۳۳۳، شماره ۱۹؛ روزنامه شکوفه، ۱۳۳۶، شماره ۲۰؛ روزنامه شکوفه، ۱۳۳۲، شماره ۲۳؛ روزنامه شکوفه، ۱۳۳۲، شماره ۲۴؛ روزنامه دانش، ۱۳۲۸، شماره ۱؛ روزنامه دانش، ۱۳۲۸، شماره ۲؛ روزنامه دانش، ۱۳۲۸، شماره ۳؛ روزنامه دانش، ۱۳۲۸، شماره ۴؛ روزنامه دانش، ۱۳۲۸، شماره ۵؛ روزنامه دانش، ۱۳۲۸، شماره ۶؛ روزنامه دانش، ۱۳۲۹، شماره ۱۴؛ روزنامه دانش، ۱۳۲۹، شماره ۲۵.